

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

تازیانه‌های سلوک

نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنائی



فهرست

۷	یادآوری
۹	مقدمه
۱۴	زندگینامه سنائی
۲۱	جایگاه سنائی در تاریخ شعر فارسی
۲۵	سه ساحت وجودی سنائی
۳۵	جمال شناسی قصیده پارسی
۴۲	معنی و مضمون در شعر سنائی
۴۷	شعر زهد و مثل
۵۳	از ساختار اجتماعی به ساختار ادبی
۶۳	فهرست قصاید
۶۵	فهرست قطعه‌ها
۶۷	قصاید
۲۳۳	قطعه‌ها
۲۴۳	تعلیقات
۴۸۹	راهنمای تعلیقات
۵۱۵	فهرست آیات قرآنی
۵۱۹	فهرست احادیث
۵۲۱	فهرست اقوال و امثال و ادعیه
۵۲۳	فهرست شعرهای عربی

یادآوری

بسکه شنیدی صفتِ روم و چین
خیز و بیا مُلکِ سنائی بسین

تازیانه‌های سلوک، مدخل یا تفسیر گونه‌ای است بر قصایدی که سنائی را سنائی کرده است و از دیگر شاعران، ممتاز. در کنار این مجموعه کتاب دیگری از همین قلم، در باب سنائی چاپ شده است به نام «در اقلیم روشنایی» که در آن به مقام سنائی در غزل و شعر عرفانی فارسی پرداخته شده است. چون حجم کتاب حاضر قدری از حد مورد نظر خودم، بضرورت، فراتر رفت، ترجیح دادم که مقدمه این کتاب را فشرده‌تر بنویسم، در حد آشنایی مختصری با زندگی و آثار او و نشان دادن بعضی امتیازات قصاید او. کسانی که بخواهند با ابعاد بیشتر هنر سنائی و مقام او در غزل فارسی و شعر عرفانی آشنا شوند می‌توانند به کتاب «در اقلیم روشنایی» مراجعه کنند و نیز به شرح و تفسیر گونه‌ای که درباره حقیقه سنائی آماده انتشار است. با این همه تفصیل مطالب در باب زندگی سنائی و اندیشه و شعر او و مسأله شکل‌گیری شعر عرفانی در زبان فارسی، مانند برای کتاب مستقلی که در این باب عملاً فراهم آمد و امیدوارم همزمان با این مجموعه‌ها آن نیز منتشر شود.

از دوستانم در انتشارات آگاه که با شکیبایی بسیار طولانی شدن چاپ این کتابها را تحمل کردند، سپاسگزارم و نیز از دوستان عزیز و فاضلم آقایان مسعود جعفری و محمد شادرومنش و سیدمصطفی موسوی که نمونه‌های چاپی

این کتاب را قبل از انتشار خواندند و نکاتی را یادآوری کردند. و الحمدلله
اولاً و آخراً.

ش.ک.

آذر ۱۳۷۱

در چاپ دوم.

بعد از انتشار چاپ اول، بعضی از دوستان نکاتی را یادآور شدند که غالباً جنبه استحضانی داشت. خودم نیز به بعضی اطلاعات اصلاحی و تکمیلی برخورد کردم. اگر تجدید چاپی اساسی ازین کتاب بشود تمام آن موارد اصلاحی و تکمیلی، باید در نظر گرفته شود. اما درباره «جبرینسار» صفحه ۳۴۷ هم اینجا باید توضیح بدهم که ضبط نسخه کابل، صورت درست کلمه است؛ یعنی: «جبرو یسار». مفسران قرآن کریم، از جمله زمخشری در کشاف، ۲/۶۳۵ و بیضاوی در انوارالتزیل، ۱/۵۷۰ ذیل آیه «لِسَانُ الَّذِي يُلْحَدُونَ اِلَيْهِ (نحل: ۱۰۳) گفته اند که «جبر و یسار نام دو غلام رومی بود که کارشان شمشیرسازی بود و تورات و انجیل قرائت می کردند و پیامبر (ص) چون بدیشان می رسید می ایستاد و گوش می داد. کافران گفتند: آنهایند که قرآن را بدو تعلیم می دهند.» این نکته را، بویژه، ازین بابت یادآور شدم که هم غفلت و اشتباه خودم را اصلاح کرده باشم و هم اصالت نسخه کابل را بار دیگر تأیید کنم.

ش.ک.

اردیبهشت ۱۳۷۶